

از شرط و شروط نذرت خبر داری؟

شله زرد واجب، آش رشته حرام!

آش نذری، سفره ابوالفضل، شله زرد ۲۸ صفر، آش پشته، سمنو پزون و... این اسمها و رسمها را بارها و بارها شنیده‌اید و حتماً خاطرات خوش آن در ذائقه مبارکتان بهجا مانده است. معمولاً در بیشتر خانواده‌های ایرانی سنت‌هایی سالیانه با همین عنوان‌ها یا اسامی مشابه بهجا آورده می‌شود، که البته بسیار خوب و پستدیده است، اما این رسمها که معمولاً در میان بانوان از حرمت و قداست ویژه‌ای برخوردار است، احکام و ریزه‌کاری‌های شرعی ویژه‌ای هم دارد. البته ناگفته نماند، همانند این نذر و نیازها در میان مردان نیز بسیار است؛ مانند ذبح گوسفند، بلند کردن علم، قمه زنی و...

با نگاهی دقیق‌تر، این گونه رفتارها از نظر دینی در سه باب نذر، عهد و قسم قرار می‌گیرند که هر سه اینها نوعی معامله فرد با خداست؛ یعنی نوعی قرارداد یکطرفه که فرد خود را در برابر خداوند ملزم به انجام یا ترک کاری می‌کند، حال یا مشروط به اتفاق خاصی، مثل مادری که نذر می‌کند اگر دختر عزیزدردانه‌اش در کنکور قبول شود شله زرد بپزد و به در و همسایه و فامیل بدهد و یا بدون شرط، مثل اینکه انسان نذر کند هر سال نیمه رمضان افطاری بدهد و جشن میلاد آقا امام حسن را برگزار کند. برای تحقق این قرارداد سه راه وجود دارد: یا بر آن کار نذر بشود، یا انسان با خدایش عهد ببندد و یا بر آن کار قسم بخورد.

نذر، شایع‌ترین مورد از اقسام سه‌گانه ذکر شده است که متأسفانه با وجود رواج زیاد احکام ویژه آن به آن توجه نمی‌شود. اما این احکام و شرایط:

نذر باید برای خدا باشد، یعنی در نذر لازم است انسان طرف خود را خداوند ببیند و فقط برای او نذر کند، در نتیجه نذرهایی که برای امامها یا امامزاده‌ها انجام می‌شود و اسمی از خدا در میان نیست، نذر صحیح شرعی به حساب نمی‌آید؛ مثلاً خیلی وقت‌ها گفته می‌شود: یا امامزاده! اگر مریضم شفا بگیرد هر شب جمعه حلوائی نذری می‌آورم اینجا پخش می‌کنم و مانند آن، که شرط اصلی نذر را ندارد، در نتیجه با عرض معذرت از آنانی که معتقدند گاهی وقت‌ها از دست خدا هم کاری بر نمی‌آید مگر آنکه حضرت ابوالفضل کاری کند و نذرهای پرمایه‌ای برای حضرت عباس و امامزاده داوود و آقا علی عباس و غیره به همین شکل ذکر شده می‌کنند، نذر صحیح انجام نمی‌دهند، مگر آنکه به این‌صورت نذر کنند: مثلاً «برای خدا نذر می‌کنم اگر حاجتم برآورده شود به نیت حضرت ابوالفضل هر سال گوسفند ذبح کنم و اتفاق بکنم».

نذر جلوکباب بختیاری با دوغ و ریحون!

کاری که قرار است با نذر بر خودمان واجب کنیم - که در اصطلاح فقهی متعلق نذر نامیده می‌شود - باید کاری صحیح و از نظر شرع و عقل مطلوب باشد؛ یعنی حرام یا مکروه نباشد و اگر در حالت عادی مباح و معمولی است، مثل غذا خوردن، باید با نیتی که در کنار آن قرار می‌گیرد نوعی رجحان و مطلوبیت پیدا کند؛ مثلاً انسان قصد کند با خوردن این جلوکباب مخصوص انرژی پیدا کند و کلی عبادت انجام دهد که در این صورت می‌توان بر آن نذر کرد... در هر حال نذرهایی که مانند بلند کردن علم، قمه زنی و یا کارهایی نظیر آن اگر از نظر شرع و عقل

دیگران نیست. مثال رایج این مسئله این است که پدر و مادر نذر می‌کنند دخترشان با سید ازدواج کند، در حالی که ازدواج حق دختر است و دیگران نمی‌توانند برای او نذر کنند.

جریمه سنگین

اگر انسان به نذر خود عمل نکند کفاره بر او لازم می‌شود که همانند باطل کردن روزه ماه مبارک رمضان جریمه سنگینی دارد، یعنی یا باید ۶۰ فقیر را سیر کند و یا ۶۰ روز روزه بگیرد. البته این جریمه در صورت ترک عمدی است و الا اگر انسان به خاطر فراموشی یا ناتوانی از انجام نذر آن را ترک کند کفاره‌ای ندارد.

تقریباً همه مسائلی که درباره نذر گفته شده در «عهد» هم وجود دارد. یعنی انسان می‌تواند یا خدای خود عهد ببندد بر انجام یا ترک کاری؛ مثلاً بگوید برای خدا عهد می‌کنم که هر روز یک سوره یس به مادر امام زمان^ع هدیه کنم. کفاره خلف عهد همانند کفاره نذر است.

به ارواح خاک اقام!

اما مسئله قسم، البته قسم کاربردهای مختلفی دارد، ولی در بحث ما قسم خوردن به این شکل است که انسان به خداوند تبارک و تعالی قسم می‌خورد که کار خیری را انجام دهد یا عمل ناشایستی را ترک کند. در اینجا هم به زبان آوردن قسم ضروری است، اما چیزی که به آن قسم خورده می‌شود حتماً باید نام خاص پروردگار مانند «الله» یا لفظ «خدا» و یا اسم‌هایی که غالباً درباره حضرت حق استعمال می‌شود باشد مانند «خالق» یا «رازق» و... والا قسم به قرآن مجید، یا حضرت عباس و یا ارواح خاک رفتگان در بحث ما داخل نیست.

نکته مهم در قسم این است که باید بر کاری قسم خورد که از نظر عقل و شرع مطلوب باشد. دیده می‌شود مردی در حال عصیانیت قسم می‌خورد که دیگر به خانه مادرزنش نرود، این قسم چون بر قطع رحم که کار حرامی است قرار گرفته ارزشی ندارد. اوایل انقلاب عده‌ای از ارتشی‌ها خدمت حضرت امام رسیدند و گفتند، ما برای حفظ تاج و تخت قسم خوردیم تکلیف ما چیست؟ امام هم فرمودند: آن قسم هیچ اثری ندارد.

ولی فرق اساسی قسم با نذر و عهد این است که اگر احیاناً تخلف شد، مثلاً فردی قسم خورد لب به سیگار نزنند، ولی امان از رفیق ناباب! کفاره‌اش این است که به ده فقیر پوشاک مناسب بدهد یا سه روز روزه بگیرد.

این تو بمیری...

نکته مهم آخر اینکه اگر انسان نذری مستمر و مداوم کرد، مثلاً نذر کند هر جمعه دعای ندبه بخواند یا دیگر SMS‌های خلاف اخلاق و ادب نفرستد، هر بار تخلف از آن یک کفاره لازم می‌شود، یعنی با یک بار تخلف از نذر، اصل نذر به جای خود باقی است و به هم نمی‌خورد و به‌خاطر هر بار تخلف باید جریمه آن را بپردازد البته در خصوص نذر مستمر بر ترک یک عمل همچون مثال SMS برخی از مراجع اختلافاتی دارند و لزوم کفاره در هر بار را مشروط بر قصد اولیه انسان در ترک همه ایام و اوقات می‌دانند به هر حال این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست و حساب مسائل شرعی جدی‌تر از این حرف‌هاست.

احسان به پدر و مادر یا صله رحم باشد، که نیاز به اجازه ندارد. ناگفته نماند که صله رحم فقط دید و بازدید نیست، بلکه هدیه دادن به بستگان و کمک مالی هم صله رحم است. در خصوص فرزندان بالغ هم گرچه نذرشان به‌نظر مشهور فقها نیاز به اجازه ولی ندارد، اما اگر پدر - و احیاناً مادر - از انجام نذر ممانعت کنند دیگر آن نذر اعتباری ندارد.

اینجا صیغه لازم است!

مهم‌ترین شرط نذر که معمولاً به آن توجهی نمی‌شود این است که حتماً باید صیغه مخصوص آن به زبان آورده شود. البته عربی خواندن آن لازم نیست فقط کافی است فرد بگوید: برای خدا بر گردن من است اگر حاجتم برآورده شود یک ختم قرآن انجام دهم، یا برای خدا بر عهده می‌گیرم شب جمعه دعای کمیل بخوانم و مانند آن. حتماً متوجه شدید که با این وضعیت اکثر نذرهایی که انجام می‌شود نذر صحیح شرعی نیست؛ زیرا معمولاً در دل نیت می‌شود و به زبان نمی‌آید!

نکته مهم

با این شروطنی که ذکر شد شاید بگویید پس تا حالا دنبال نخود سیاه بودیم که هی به خیال خودمان نذر می‌کردیم و حاجت می‌گرفتیم. خیر! نذرهایی که افراد در دلشان با خدا انجام می‌دهند هم نوعی معامله قلبی با خداست و همان خاصیت و نتیجه را این‌شاءالله به‌دنبال دارد، اما صورت شرعی ندارد و احیاناً با تخلف آن کفاره لازم نمی‌شود. به همین خاطر خوب است اگر تا الان نذری کردید ولی صیغه آن را بر زبان نیاوردید از باب تعهد اخلاقی آن را به‌جا بیاورید که این‌شاءالله به ثواب آن هم می‌رسید.

قانون بی‌تبصره و ماده

مسئله بسیار مهم در نذر «اداء» آن است. یعنی اگر نذری به‌صورت صحیح شرعی انجام شد انسان موظف است مو به مو و عین چیزی که نذر شده را به‌جا بیاورد و نمی‌شود به‌خاطر شرایط خاص زمانی و مکانی در آن تغییری ایجاد کند. مثلاً اگر انسان نذر کرد روز تاسوعا پیش پای دسته‌های عزاداری گوسفند بکشد نمی‌تواند آن را در روز عاشورا انجام دهد، یا اگر خانمی نذر کرد نیمه‌شعبان شله‌زرد ببزد نمی‌تواند به اقتضای گرمای هوا آن را تبدیل به آش رشته کند. یعنی واجبی که بر گردن اوست پختن شله‌زرد است و با پختن آش به‌خاطر ترک نذر اصلی مرتکب حرام شده و کفاره بر گردنش می‌آید، گرچه نفس پختن آش و خیرات آن خوب است ولی عمل به نذر نیست. به همین خاطر خوب است انسان موقع نذر کردن به قول معروف دست و بال خودش را نبندد و به شکلی کلی و قابل تغییر نذر کند؛ مثلاً بگوید هر سال دهه محرم به نیت امام حسین^ع خیراتی می‌کنم.

گاهی وقت‌ها هم پدر خانواده نذری کرده و هر سال آن را انجام می‌دهد، ولی به مرور زمان که دیگر توان انجام آن را ندارد یا به رحمت خدا می‌رود فرزندان او یا پسر بزرگ‌تر فکر می‌کنند باید نذر او را انجام بدهند، در حالی که انسان فقط برای خودش می‌تواند نذر کند و هرگاه از توان خودش خارج شد دیگر تکلیفی بر گردن

اعمال مطلوبی تشخیص داده نشوند صحیح نیستند، چه رسد به نذرهایی که بر کارهای حرام می‌شود؛ مثل اینکه خواهری نذر کند در عروسی برادرش جلو جمعیت برقصد، یا نذرهایی که باعث انگشت‌نما شدن و تحقیر انسان می‌شود. البته تعجب نکنید، متأسفانه از این قبیل نذرهای در جامعه ما اتفاق می‌افتد و وقتی از افراد علت بعضی کارهای اشتباهشان را می‌پرسید، با قیافه‌ای جدی جواب می‌دهند: چه کار کنم، نذر کردم!

پیاده تا مکه

کاری که انسان نذر می‌کند باید ممکن و شدنی باشد؛ یعنی انسان توان انجام آن را داشته باشد، والا نذر کردن کارهایی که عقلاً انجام آن محال است، مثل پرواز کردن یا در شرایط حاضر انجام آن ممکن نیست، مثل پیاده به زیارت خانه خدا رفتن، صحیح نیست؛ حتی اگر آن کار در زمان نذر ممکن باشد ولی در وقت عمل از عهده انسان خارج شود؛ مثلاً کسی نذر کند در تابستان امسال پیاده به پابوس امام هشتم^ع برود، ولی اول تابستان پایش بشکند، یا کسی نذر کند ۶ روز بعد از عید فطر را روزه مستحبی بگیرد - چنان‌که سفارش هم شده - ولی در همان ایام دچار بیماری شود، در این صورت نیز انجام نذر واجب نیست و ترک آن کفاره ندارد.

نذر و کنوانسیون ژنو

فردی که نذر می‌کند باید بالغ و عاقل هم باشد، یعنی نذر گل‌سپهرایی که به‌قول مادران محترمشان برای خودشان مردی شده‌اند ولی هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، حتی درباره اموال خودشان صحیح نیست و همچنین نذرهایی هم که در حال بی‌اختیاری انجام می‌شود اثری ندارد؛ مثلاً اگر کسی هفت‌تیر روی سر دیگری بگذارد و بگوید: یا آن نذر کن ماشینت رو بدی به من! یا خود فرد در حالت عصیانیت زیاد یا حالت استیصال و درماندگی شدید نذری بکند؛ مثلاً در حال غرق شدن در دریا نذر کند اگر زنده ماند همه اموالش را صدقه بدهد. همه این نذرهای اگر در حال اختیار و تصمیم کامل عقل نباشد صحیح نیست.

همچنین خانم‌های محترم طبق نظر برخی از مراجع بدون اجازه شوهر نمی‌توانند نذر کنند البته سایر مراجع این شرط را در مورد نذرهایی لازم می‌دانند که با حقوق شوهرشان منافات داشته باشد والا نذر صدقات صلوات که به جایی بر نمی‌خورد. در هر حال لااقل در مورد نذرهای مالی بسیاری از فقها اجازه شوهر را لازم می‌دانند اگر چه با اموال خودشان چنین کاری را انجام دهند.

شاید خانم‌های محترم قدری دلگیر شوند که اموال شخصی زن چه ربطی به شوهرش دارد؟ بله ما هم قبول داریم که این مسئله مانند بسیاری از مسائل شرعی دیگر با اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون ژنو مغایرت دارد و این مسئله هم از جمله مسائل اختلافی بین خدا و غربی‌هاست! ولی اگر قرار است به قول حضرت حافظ: «حکم آنچه تو اندیشی، رای آنچه تو فرمایی» باشیم باید بگوییم چشم! البته شوهر هیچ‌گونه حق تصرف در اموال همسرش را ندارد، ولی همسر هم در خصوص نذر کردن با این اموال باید از شوهرش اجازه بگیرد، الا - قابل توجه خانم‌هایی که حس حقوق بشرشان کماکان جریحه‌دار است! - اینکه نذر در مورد حج و زکات یا